

گفت‌وگو با فرشاد مؤمنی، استاد دانشگاه علامه طباطبائی:

بحران‌های اقتصادی از سوء تدبیر تا آینده‌فروشی



ابلیا پیروزی
روزنامه‌نگار

فرشاد مؤمنی در گفت‌وگو با روزنامه ایران به مناسبت سالنامه نوری، از روند سیاست‌های اقتصادی کشور پس از جنگ تحمیلی پرده برمی‌دارد. او با نگاهی توسعه‌محور، تأکید می‌کند که سوءمدیریت، فساد و تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت‌نگر، اقتصاد ایران را به ورطه بحران‌های متوالی کشانده است. این تحلیل، نشان می‌دهد که چگونه سیاست‌های نادرست در سه دهه گذشته، نه تنها مشکلات را حل نکرده، بلکه بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را تعمیق کرده است. در حالی که بسیاری از مخاطبان ویژه‌نامه‌های نوری به دنبال شنیدن پیام‌های امیدبخش هستند، فرشاد مؤمنی در گفت‌وگویی صریح و انتقادی، واقعیت‌هایی را مطرح می‌کند که شاید چندان خوشایند نباشد اما گریزناپذیر است. او با مرور سیاست‌های اقتصادی کشور پس از جنگ، نشان می‌دهد که چگونه دولت‌ها با اتکا به نسخه‌های آزمون‌نشده و سیاست‌های مقطعی، بحران‌ها را از یک دهه به دهه دیگر منتقل کرده‌اند. از استقراض گسترده و آینده‌فروشی تا افزایش نابرابری و سقوط شاخص‌های کلان اقتصادی، روایت او تصویری شفاف از مسیری است که در نهایت کشور را با چالش‌هایی بی‌سابقه روبه‌رو کرده است. مؤمنی معتقد است که با اتخاذ رویکردی جامع و بلندمدت می‌توان مسیر کشور را از بحران به سوی توسعه پایدار تغییر داد و از مشکلات جاری عبور کرد.



حاکم بر این سیاست‌ها را بررسی کرد. در سال ۱۳۶۸، استدلال این بود که دولت با کسری مالی شدیدی مواجه است که در سال ۱۳۶۷ به اوج خود رسیده بود. بیش از ۵۰ درصد بودجه آن سال از طریق کسری مالی تأمین شد. بر این اساس، راهکارهایی پیشنهاد شد که پیامدهای آن تا به امروز ادامه دارد. برخی از مسئولان اقتصادی آن دوره بر این باور بودند که روندهای اقتصادی، تا پیش از وقوع اولین شوک معکوس نفتی، قابل دفاع، آبرومند و در برخی موارد افتخارآفرین بوده‌اند. بنابراین، اگر بخواهیم عملکرد اقتصادی از سال ۱۳۶۵ به بعد را ارزیابی کنیم، باید میان متغیرهای برون‌زا و درون‌زا تفکیک قائل

شاید مطرح کردن این مباحث در ویژه‌نامه نوری، که مخاطبان آن انتظار شنیدن سخنان امیدبخش دارند، چندان خوشایند نباشد. اما وقتی در یک افق زمانی بلندمدت به مسأله نگاه می‌کنیم، در واقع وارد تحلیل‌های سطح توسعه می‌شویم. این سطح از تحلیل، متفاوت از تحلیل‌های کلان یک‌ساله یا مطالعات خرد است که به تعادل‌های لحظه‌ای می‌پردازند. اگر از منظر توسعه‌ای به مسأله بنگریم، متوجه می‌شویم که پس از پایان جنگ تحمیلی، مجموعه‌ای از شعارها و وعده‌ها مبنای جهت‌گیری‌های اقتصادی کشور قرار گرفت. اکنون، پس از گذشت ۳۵ سال، می‌توان با وضوح بیشتری منطق رفتاری

شما همواره برای توصیف وضعیت کنونی اقتصاد کشور دوره‌های مختلف زمانی را نیز بررسی می‌کنید تا به یک نتیجه مشخص برسید. به همین دلیل از اقتصاد دوران جنگ آغاز می‌کنم که روندهای ابتدایی آغاز شد و البته با وجود تداوم چندین ساله جنگ، تورم کنترل شد. اما پس از جنگ، شرایط تغییر کرد و وارد فاز تورمی اقتصاد ایران شدیم که با اصلاحاتی در عرصه نرخ ارز و ساختار بودجه دولت همراه بود. تحلیل شما از این دو دوره چیست و فضای بوروکراسی و ساختاری آن دوره را چقدر بر به وجود آمدن یک تورم مزمن در اقتصاد ایران تأثیرگذار می‌دانید؟